

## سازمان امنیت سازمانی است پوشالی

### توطئه جدیدی که بمنظور مقابله با موج نوین مبارزات خلق تدارک دیده شده بود بر خلاف انتظار ارتجاع، ضعف و ناتوانی شاه و توخالی بودن سازمان امنیتش را نمایان ساخت

در چند روز گذشته سازمان امنیت و حکومت ایران برای مقابله با موج نوین مبارزات علاوه بر شیوه های گذشته دست به مانور نسبتاً تازه تری نیز زدند که بطور عمده عبارت بود از انجام دو مصاحبه رادیو تلویزیونی طولانی از طرف يك مقام « عالیرتبه » سازمان امنیتی ارائه چیزهایی باسم مدرک و همچنین درج يك سری داستان های مختلف در جرائد ایران .

طبعاً سازمان امنیت و حکومت ایران خوب میدانند ، این برای خود حکومت و سازمان منیش نیز بصورت يك اصل مسلم در آمده است که مردم ایران دیگر به تبلیغات بلند کوهای حکومت در مورد « انقلاب سفید » بچگونه توجهی نمی کنند چرا که نتایج آنرا پوست و گوشت خود احساس کرده اند .

با این هدف سازمان امنیت از این برنامه ها در درجه اول اغفال مردم و یا صرفاً تهمت دن بمخالفین خود نیست ، بلکه با افسانه برائی ها میخواهند ثابت کنند که همین مردم مبارزین با وجود آنکه کذب ادعاهای انقلابی دولت برایشان ثابت شده معزاً قادر انجام هیچ عملی نیستند . میخواهند بگویند که ما همه چیز را در دست داریم ، بر همه مراکز شما نظرم ، هیچ کس یارای مقاومت ما را ندارد ، ما بسیار قوی هستیم ، بسیار قوی هستیم و شما مردم بدانید که کاری از ستان ساخته نیست . این پیغام عمده ایست که در پشت این مصاحبه ها و برنامه های اخیر گفته است . یعنی بزرگ نشان دادن قدرت و سازمان امنیت و کوچک و ضعیف جلوه دادن مبارزات مردم . و با توجه به همین امر است که ما در این مقاله مسئله را بررسی می کنیم .

در مصاحبه های اخیر ، دولت بخمال خود مدارکی ارائه داد دال بر تیزهوشی فوق العاده سازمان امنیت و همین مسئله بارها توسط خبرنگار وطنی و روزنامه های معلوم الحال

بودند و آیا این ها « تیز هوشی » و « قدرت » سازمان امنیت را میسراند یا شعبده بازی و استفاده جونی از بی خبری عده ای از مردم .

مقام « عالیرتبه » سازمان امنیتی ضمن يك سلسله داستان پردازی ها و خیال بافی های مضحک که در ضمن آن سعی میکرد با « آرتیست بازی » قضایا را بزرگ کند دائماً از مدارک و اسنادی که مامورین سازمان امنیت بدست آورده اند صحبت میکرد و وقتی که باصطلاح مدارک سری « رو » شدند دیدیم بطور عمده عبارت بودند از نشریات رسمی و علنی سازمان های مختلف سیاسی ایران . یعنی مطالبی که هر کدام در هزاران نسخه چاپ شده اند ، مطالبی که در بعضی نشریات خارجی میلیونها نسخه از آنها توزیع شده است ، عکسی که در مجله یا پشت جلد کتابی چاپ شده ، اعلامیه ای که در ارگان رسمی سازمانی انتشار یافته ، نامه ای که به يك وکیل دعاوی آلمانی نوشته شده و از این قبیل مدارک سری !! اینها هم مدارک کتبی بود که مقام « امنیتی » رو کرد و بخمال خود برای کسانی که ندانند اینها مدارک « سری » ! نیستند شعبده بازی کرد .

قسمتی از این مدارک عبارت بودند از اسنادی که از بختیار بدست آورده بودند . در این خصوص مضحک است که تصور شود سازمان امنیت هنری بخرج داده . بختیار دوست سابق شاه و هم مسلک او بود و دعوی او هم با شاه بر سر مسائل خصوصی . ماهیت هر دو یکی و راه هر دو یکی بود . این مطلب را اکثر سازمانهای سیاسی مترقی بارها نوشته بودند و تشریح کرده بودند . خیر داشتن بختیار از سازمان امنیت ، و سازمان امنیت از بختیار ، بیش از همه چیز نشانه تشابه ماهیت آنهاست و یکی بودن شیوه کارشان . نه زرنگی سازمان امنیت است و نه زرنگی بختیار . نشانه نفوذ متقابل

کتابهایی بود که پس از دزدیدن یا دستگیری مبارزین ، سازمان امنیت از آنها « گیر » آورده بود . حالا اینها چه ربطی به « تیز هوشی » و « کباست » سازمان امنیت دارد توضیحش بماند بگردن « مقام » سازمان امنیتی . نکته ای که « مقام » سازمان امنیتی با خجالت و سرعت از آن رد شد و سعی کرد با تردستی از توجه بآن جلوگیری کند این بود که جناب ایشان ، یعنی نماینده حکومت هیچ مدرک سری مهمی از سازمانهای سیاسی نداشتند و بالطبع نشان ندادند . عجیباً که سازمان امنیت باین « تیز هوشی » در همینجا ، یعنی در نقطه ای که همه کارها از انجا سرچشمه می گیرد « گیر » افتاد . و آقای « مقام » سازمان امنیتی هرچه تردستی کرد نتوانست این ضعف را بپوشاند . ضعفی که پی بردن مردم بآن برای سازمان امنیت مساوی است با مرگ این سازمان .

هدف دیگر سازمان امنیت از اجرای این برنامه ها بخمال خود بد نام کردن سازمانهای سیاسی بود . اگرچه آقای سازمان امنیتی میدانست که در این باره نیز مردم کوچکترین توجهی به آسمان ریسناپایش ندارند ولی باز هم کوشش هایی کرد بلکه لا اقل عده معدودی فریب بخوردند . ببینیم این کوشش ها چه بودند؟

آقای « سازمان امنیتی » و روزنامه ها سعی کردند لفظاً سازمان های سیاسی را به انتلیجنت سرویس ، سی آی ا ، کمونیس بین الملل ، دولت عراق ، امپریالیسم سرخ و سیاه و بختیار بچسباندند . غیر از مقداری فحاشی یکی دو مطلب جالب هم رو کردند . یکی از این مدارک ! اعلامیه ای بود که يك تشریه سیاسی علیه سیاست « همزیستی مساوت آمیزی » که منجر به لوله کشی و فروش گاز ایران به شوروی شده داده بود . بنظر آقای « سازمان امنیتی » این مدرک کافی است که وابستگی این سازمان را به امپریالیسم سیاه ! نشان دهد ، و خود بخود وابستگی

مدرك ! دیگر ، فعالیت و نظ و نشریات متعدد دانشجویان ایرانی در دنیا بود . بنظر آقای « سازمان امنیتی آدمی ! اینهمه جنب و جوش را بدون « فوق العاده سفر » نخواهد کرد بنا بر این دست هایی در کار است که بانها خبر میسراند . مدرک از این قوی تر هم میشد و امامدارکی که در باره رابطه ساز ، سیاسی با بختیار داشتند اینها برای ما جالب بود و ما مشتاقانه میخواستیم « کشفیات » را بشنویم . ولی « سازمان امنیتی » ظاهراً فراموش کرده مدرک بدهند دائماً می فرمودند مدارک و انکار ناپذیری داریم ولی مجدداً « فراموش می کردند رو کنند . فقط يك نفر احمد صبوری که جزء دستگیر شدگان و اکنون خیانت به مردم را بر زنده شکنجه ترجیح داده و خود را در اختیار سازمان امنیت گذاشته است بصفحه آن که این شخص بنا بگفته خودش با بلاقات بختیار رفته بوده است . حالا این ربطی به کسانی دارد که از مدت ها دستگیر شده بودند ؟ چه ربطی به سازمان سیاسی خارج از کشور که سالها با بختیار مبارزه می کردند دارد؟ همه را آقای « سازمان امنیتی » فراموش کردند بفرمایند . مدرک ! دیگر آقای قربان شیرازی نامی بودند که فرمودند بنده را سازمان امنیت گرفته بود ولی چون فهمید من نه سازمان دانشجویم و نه عضو گروهی ، مقداری نصیحت آزاد کرد ! این ها را « سازمان امنیتی » میگویند مدارک مهم و سری ! که ماموران تیز هوشی قدرت سازمان امنیت بچنگ آورده اند با همه این تشبیهات بی ثمر بالاخره امنیتی ! اقرار کردند که ٢٠ دانشجویانی که علیه حکومت ایران فاش میکنند مامور اجانب هستند .



ز کشور  
ات خود  
ق حاکم  
جهانی  
سیعی را  
زمان در  
ان حاکم

مراسم  
رزمجوی  
چریکی  
بر کرده  
ل به  
خانه در  
ل را در  
می آید

نت های  
ه حبس  
فصلاً  
خوانی  
از آقای  
ببیرند  
ازمانهای  
راسیون  
شکنجه  
زیستند  
هاند  
نه بعلت  
قضیه  
رهایشی  
بهرام  
منصور  
ارپوش  
بهمین  
برند  
و آقای  
ستگیر

شی به

ال  
ن  
ن  
ن  
ن

تعداد -  
١٤٧٦

با حکومت ایران مخالفت دارند که با بیکه مامور اجانب نیستند باز دنبال این صد میروند ، یعنی اقرار فرمودند نویان اعم از مامور اجنبی او وطنپرست حکومت مخالفند ، و با این اقرار آقای «عالیرتبه» امنیتی خود را در مهلهکه انداختند که این بی مبالا تیشان مکن موجب حذف کلمه «عالیرتبه» از عنوان بشود !

بن مائور سازمان امنیت علیرغم نتیجه ای ز نقشه خود انتظار داشت ضعف نش را بصورتی بیش از پیش نمایان ت . این توخالی بودی بمزایمان امنیت زی را که به تریانان مردم احساس بد رساند . سازمان امنیت وحشتناک دزدان کهم مردم با او مواجه شوند و ضعف ش را در یابند . او میخواهد همه دورادور دای دهلش بترسند . او میخواهد با ک جلوه دادن خود مردم ثابت کند : که نابل او نمیتواند مقاومت کنند ، که او به چیز سر در میاورد ، که او همه جا را د ، از همه چیز با خبر است و غیره ه ، و برای ایجاد این شبهه از انجام هیچ - از جنایت و قتل و تحریف و دروغ ری خود داری نمیکند و از تشبث به هیچ سکی باز نمی ایستد .

جبهه ملی موضع خود را از سالها پیش ح نشان داده است و ما افتخار میکنیم به سعی که در این مورد در گذشته گرفته است . ما با روشن بینی نکاتی را که نیست مورد استفاده جونی سازمان ت شود روشن ساخته بودیم - نه بخاطر گیری از همتیهای سازمان امنیت ( که بی آبرویی سازمان امنیت حتی همتیهای هم کسی باور ندارد ) بلکه بخاطر دی که با اصول خود و نهضت ملی ایران . ما از قبل و همچنین در مجبوحه قدرت ار او را خائن و رفیق شاه و جانی بدیم و علت مخالفت او را با شاه نوشتم . سازمان های سیاسی مترقی دیگر هم مع خود را روشن کردند .

مروز سازمان امنیت شایعات دیگری بر میکند ، ولی بر خلاف همه این شایعه با ما داشتن هرگونه همکاری با پناهیان را میکنیم - وهمچنین همکاری با کمیته ری حزب توده ایران را مخالف با اصول و نهضت ملی ایران میشمیم . و این تنها بر سابقه مبارزه ایکه جبهه ملی از بدو تاکنون باحزب توده داشته است نیست . ی فرصت طلب حزب توده ایران که خود شرط در دامان روسیه شوروی انداخته و از خیانتیهای آن دولت به نهضت ملی با افتخار دفاع میکند ، این رهبری که بوجود شرایط انقلابی در ایران نیست خواهد از طریق انتخابات آزاد ! چند مجلس بفرستد ، این رهبری که حتی یلات حزب توده ایران را که معتمد مبارزه نفی و تهدید میکند ، و بزرگترین خیانتیها ر حق نهضت ملی ایران مرتکب میشود ،

### مخابرات من القش

## الوثائق «الهامة» التي نشرتها المخابرات الايرانية فضحت هزلة المخابرات بدل

### ان تكشف اي معلومات عن الحركة الوطنية

خلال الأيام القليلة الماضية أضافت المخابرات الايرانية ونظام الشاه الى أساليبها الماضية أسلوباً جديداً في المناورة ظهر في مقابلتين نقلتهما محطة الاذاعة والتلفزيون في طهران مع صاحب «مقام عال» - كما عرفه المذيع - في مخابرات الشاه ، وبمجموعة من «المستسكات» وسلسلة من الروايات في جرائد ايرانية مختلفة . وقد ابتدع هذا الأسلوب الجديد لمواجهة الموجة الجديدة من النضال الشعبي المتصاعد ضد النظام القائم هنا . إن الشاه ورجال مخابراته أصبحوا يعترفون جيداً أن شعب إيران لم يمسيد يصدق حملات الدعاية التي تتحدث عن «الثورة البيضاء» لأنهم

با آن برآئیم و یا از مبارزه خود با آن دست بکشیم . اینها را مردم ایران میدانند و سالهاست که تصمیم خود را هم گرفته اند ، و آقای «مقام عالیرتبه» که مردم را باندازه خودش نادان تصور میکنند در این باره نیز سکور خوانده است . لازم است از فرصت استفاده کنیم و يك مورد فاش نشده از توطئه های سازمان امنیت را افشاء کنیم .

در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۴۹ نه نفر ایرانی مبارز مسیر يك هواپيای ایرانی را که از دوبي به بندر عباس میرفت منحرف کرده آنرا مجبور به فرود در بغداد نمودند . دستگاه تبلیغاتی سازمان امنیت با متهم نمودن آنان به قاچاقچيگری تقاضای استرداد آنها را کرد ، و کوششهای اولیه ما نیز برای تماس مرتب با این گروه و شناسائی آنان بی نتیجه ماند . در این مدت دولت ایران از تمام امکانات خود از قبیل نشر اکاذیب ، تهدید ، ارسال نامه ها و اعلامیه های بی نام و نشان ، تلفن وغیره برای مشکوک کردن نیروهای ملی بجهت این افراد استفاده کرد ، ولی علیرغم این تشبثات سازمان ما کوشش خود را برای تحقیق از طریق ایران ادامه داد و بالاخره تماس لازم بین ما و این رفقا برقرار شد و مسلم شد که این افراد از فداکار ترین فرزندان خلق ما هستند . از آن پس طی اعلامیه ای که در تاریخ ۱۲ دسامبر منتشر نمودیم نجات این رفقا را در صدر برنامه خود قرار دادیم ، و بالاخره در این مورد اطمینان کامل بما داده شد . اگر چه هنوز این رفقا ، علیرغم تمایلشان به همکاری با ما ، بعلت اقدامات عناصری ، بانجام این کار موفق نشده اند - معیندا تلاش برای رهائی این مبارزین از چنگال این عناصر ادامه خواهد یافت ، و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد شد .

ما یکبار دیگر توطئه ها و اتهامات بشیرمانه سازمان امنیت را که همه از ضعف او حکایت میکنند محکوم میکنیم ، و مطمئن هستیم که مبارزین ایرانی که این حقایق را درک کرده اند جواب سازمان امنیت را مانند گذشته با تشدید مبارزات خود تا پیروزی

أحوا بنتائج هذه الثورة في مقدمه . لذلك فليس هدف الحملة الحالية وبهذا الأسلوب الجديد محاولة خداع الناس أو اتهام المعارضة ، ان هدفنا نشر اليأس من قدرة الشعب على التغيير وذلك بالادعاء أن المخابرات مسيطرة على الوضع سيطرة تامة وأن كل تحركات ونشاط القوى الشعبية هي تحت مراقبة الرصد الامبراطوري ، فلسان حال هذه الحملة يسلم ضمناً براءة الشعب للتغيير لكنه يريد أن يثبت أن نظام الشاه أقوى بكثير من هذه الآرادة .

فقد نشرت خلال هاتين المقابلتين وثائق حاول النظام القائم عن طريق نشرها على نطاق واسع أن يبرهن بقظة المخابرات الايرانية ومهارتها . فلنفحص هذه الوثائق «الهامة» التي عرضها صاحب «المقام العالي» في المخابرات .

كانت الوثائق في أغلبها مجرد نشرات رسمية وعلنية لمنظمات سياسية ايرانية والتي كانت قد وزع منها آلاف النسخ . وأكثرية ما تبقى منها كان عبارة عن كتابات وصور نشرت في مجلات أجنبية في أنحاء مختلفة من العالم . هذه كانت كل «المستسكات» التي عرضتها المخابرات الايرانية فيما يتعلق بالقوى الوطنية والتنظيمات السياسية !! فهل يثبت هذا مهاراة المخابرات أم الشهوة التي تمارسها أمام الجماهير غير القادرة بعد على معرفة جميع الحقائق أما الجزء الهام الباقي من هذه الوثائق كانت قد حصلت عليها المخابرات عن نشاط «الجنرال بختيار» . ومن المضحك أن يصدق أحداً أن مثل هذا العمل يثبت أي مهارة للمخابرات الايرانية : فبختيار كان طوال السنين رفيق المدرب للشاه ، ولم يكن لخلافاتهم الأخيرة سبباً غير المصالح الشخصية ، - ان طبيعتها واحدة وأساليبها واحدة . إن التنظيمات والقوى الوطنية قد أكدت هذه الحقيقة باستمرار ، فمعرفة بختيار بأسرار مخابرات الشاه ، أو معرفة هذه المخابرات بأسرار بختيار هو فقط أحد الأدلة على تداخلها وقربها وتشابها ، لا العكس - وعلى هزلة أجهزتها أيضاً .

وهكذا كانت نقطة الضعف التي حاول صاحب «المقام العالي» أن يخفيها عن طريق الانتقال الرشيقي الى عرض ما حصلت عليه المخابرات الايرانية حول نشاط بختيار ، كانت فشل هذه المخابرات في الحصول على أي وثائق جدية تتعلق بالتنظيمات السياسية الوطنية بنوع خاص . واكتشاف شعب إيران لنقطة الضعف هذه تعني في الواقع زوال المخابرات الايرانية . وكان الهدف الثاني من وراء الحملة الحالية هو محاولة تلوين سمعة التنظيمات والقوى الوطنية وذلك عن طريق ربطها في أذهان الشعب بأجهزة مخابرات ، بالمخابرات المركزية الأميركية ، بالشوعية العالمية ، بالحكومة العراقية ، بالامبريالية الحمراء والسوداء ، وبعملاء بختيار الخ .. ولإثبات مثل هذه الارتباطات قدم صاحب «المقام العالي» «مستسكين» : الأول كان بيان صادر عن أحد التنظيمات السياسية مهاجم مبدأ «التعايش السلمي» وشراف الاتحاد السوفياتي للنفط الايراني - وكانت هذه الوثيقة كافية لبرهان تعامل هذا التنظيم مع «الامبريالية السوداء» . أما المستسك الثاني فكان عبارة على

تعاليم الشاه ورجل «المقام العالي» مفاده أن

المنظمات الطلابية الايرانية حول العالم لا يمكن أن تقوم بهذا الحجم من النشاط وتغوض مثل هذه التحركات ضد حكم الشاه لو لم تكن مموله من جهاز خارجية . وهل هناك مستمسك «أقوى» من هذا بالرغم من ذلك فقد أكد صاحب «المقام العالي» أن عشرين بالمئة من الطلبة الايرانية الذين يناضلون ضد حكم الشاه هم عملاء لجهاز خارجية ، لكنه نسي أن يفسر لماذا يثور الثمان بالمئة الآخرين ضد حكم الشاه !! ومثل هذا «النسبة» قد تقدر صاحب «المقام العالي» على مقامها إن منظمات الجبهة الوطنية الايرانية أوضحت مواقفها منذ سنين عديدة . ففي سلطة بختيار أكدنا أنه كان خائناً وزميلاً للشاه وأوضحنا أسباب معارضته للشاه . اليوم تنشر المخابرات الايرانية شائعات جديدة ، ولكن في وجه هذه الشائعات نحن نفني أي علاقة «بناهيان» ، ونعتبر أن افاد أي علاقة مع اللجنة المركزية لحزب الثورة مناف لمبادئنا ومبادئ الحركة الوطنية الايرانية ، ليس فقط بسبب تاريخ نضال الجبهة الوطنية الايرانية منذ انطلاقتها ضد حزب «التوده» بل أيضاً بسبب القيادة الانتهازية لحزب التوده الايراني التي وضعت نفسها في قيد أو شرط تحت تصرف حكومة الانحلال السوفياتي وتدعم خيانة هذه الحكومة للحركة الوطنية الايرانية . وهذه القيادة التي لا تؤيد بوجود الظروف الموضوعية لقيام الثورة في ايران وتعمل للانتخابات الحرة من أجل تقديم بعض النواب للمجلس !! وهذه القيادة التي تعارض المنظمات الداخلية لحزب التوده نفسه تؤمن بضرورة قيام الثورة - ان هذه القيادة بطبيعتها الحالية ليست جدية وتحالف القوى الوطنية . الشعب الايراني يعرف هذه الأشياء وقد مضت سنوات بعيدة على قراره ، وصاحب «المقام العالي» لا يمكنه خداع هذا الشعب .

إنه من الضروري أن نستغل هذه الفرص لكشف احدى المؤامرات المخفية للمخابرات الايرانية . ففي تشرين الثاني عام ۱۹۷۰ اختطت تسعة مناضلين طائرة ايرانية كانت متوجهة «دبي» الى «بندر عباس» وأخذوها ببغداد ، فوجهت لهم المخابرات الايرانية تهمة التهريب وطالبت الحكومة العراقية بتسليمهم ومحاولتنا الأولى لزيارة هؤلاء المناضلين والتمرز عليهم لم تكن ناجحة . وخلال هذه الفترة استخدمت الحكومة الايرانية كل وسائلها كالرسائل والبيانات غير الموقعة واتصالات هاتفية غامضة لتشكك القوى التقدمية بالنضالين هؤلاء . لكن بالرغم من ذلك استنظيمنا بالتحقيق في الأمر عن طريق ايران وبالنهاية تمت الاتصالات النهائية وأصبح المؤكد أن هؤلاء المناضلين هم من أشد المضطربين وأشجع أبناء شعبنا . بعد ذلك وفي الثاني من كانون الأول أصدرنا بياناً كانت فيه نوايا المناضلين التسعة على رأس برنامج عملنا ، وبالنسبة حصلنا على تأكيدات كاملة تضمن حرمتهم وبالرغم من أن نشاط بعض العناصر تمتع هؤلاء المناضلين ضد إرادتهم من التعاون معنا ، فاننا لن نتم عن أي وسيلة لتحريرهم من مخالفة هذه العناصر